

واکاوی نقش آموزش به شیوه مجازی در بازتولید نابرابری آموزشی

محمد مینایی نژاد
دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
mohammad1minaei@gmail.com

سینا ترکاشوند*
دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
sina.torkashvand663@gmail.com

فاطمه سادات هاشمی
دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
fatemehsadathashemi29@gmail.com

وحیده مرادیان محمدیه
دانشگاه آزاد اسلامی، تربیت حیدریه، ایران
vmoradiyan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی نقش آموزش به شیوه مجازی در بازتولید نابرابری آموزشی می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. بدین صورت که ابتدا به تحلیل چالش‌های آموزش به شیوه مجازی در کشور پرداخته شده است، سپس به تحلیل چالش‌ها در بازتولید نابرابری آموزشی پرداخته شده است. از جمله چالش‌هایی که آموزش به شیوه مجازی به وجود آورده است عبارتند از: چالش توزیع منابع و امکانات (فضایی)، چالش اقتصادی، چالش جنسیتی و چالش فرهنگی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از چالش‌های مطرح شده در قلمرو آموزش و پرورش رسمی و عمومی به نابرابری آموزشی انجامیده است. بدین صورت که چالش توزیع منابع و امکانات منجر به پایین بودن کیفیت آموزش در مناطق محروم در مقایسه با مناطق برخوردار شده است. چالش اقتصادی نیز به دلیل پایین بودن سطح درآمد افراد مناطق محروم و گران بودن وسایل کمک آموزشی مجازی، فاصله طبقاتی را بین مناطق محروم و برخوردار ایجاد کرده است. چالش جنسیتی نیز به دلیل استفاده نابرابر در بین زنان و مردان، اغلب زنان در بهره‌گیری از آموزش‌های مجازی محدودیت‌هایی دارند. چالش فرهنگی نیز به دلیل اینکه طبقات مسطت نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و بیشتر قادرند که این نوع سرمایه را در فرزندانشان به ودیعه بگذارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نظام آموزش و پرورش در رویارویی با چالش‌های مطرح شده باید اقدامات و سازوکارهایی را مدنظر قرار دهد، چراکه تا زمانی که چالش‌های پیش‌روی آموزش به شیوه مجازی در نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی برطرف نگردد، نمی‌توان نابرابری‌های آموزشی را برطرف نمود.

واژگان کلیدی

آموزش به شیوه مجازی؛ نابرابری آموزشی؛ بازتولید؛ آموزش و پرورش.

۱- مقدمه

امروزه یادگیری الکترونیکی به یک روند تازه رو به رشد در یادگیری و همچنین یک راهبرد مهم جهت ترویج و ارتقاء آموزش و پرورش در تمام کشورهای بزرگ جهان تبدیل شده است [۲۷]. همچنین با شیوع ویروس کرونا در چند ماه اخیر و تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها در سراسر جهان، عملاً امکان آموزش حضوری وجود ندارد. لذا نظام‌های آموزشی در سراسر جهان و بالاخص نظام آموزشی کشور ایران به سمت آموزش‌های مجازی سوق یافته است. یادگیری الکترونیکی، محیط یادگیری مجازی است که در آن تعامل یادگیرنده با همکلاسی‌ها، مدرسان و یا وسایل و تجهیزات آموزشی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و با محیط سنتی متفاوت است؛ چرا که در محیط مجازی از فناوری ارتباطات الکترونیکی به‌عنوان ابزاری در راستای حمایت و بهبود فرایند یادگیری استفاده می‌شود [۲۷].

بشر همواره در طول زندگی خود، در حال فراگیری و کسب دانش بوده که با گسترش فناوری، مقوله آموزش نیز از آن بی‌بهره نمانده و گام‌به‌گام با فناوری‌ها هماهنگ و تقویت گردیده است؛ لذا تحصیل کردن یکی از نیازهای اساسی اوست و بدیهی است که برای زندگی در جامعه پیشرفته امروز که اطلاعات لحظه به لحظه در حال تغییر و پیشرفت است، انسان بی‌خبر از این تغییرات، انسانی بی‌ثبات و جدامانده از جامعه محسوب می‌شود. از سوی دیگر با افزایش جمعیت، جامعه نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمامی افراد به آموزش باشد؛ بنابراین باید راهبردی یافت که با کم‌ترین هزینه، آموزش برای همگان میسر شود.

* نویسنده مسئول

برقراری ارتباط با مخاطب استفاده می‌کند. آموزش الکترونیکی از متغیرهای زمان و مکان مستقل است.

بر همین اساس می‌توان گفت آموزش به شیوه مجازی علی‌رغم فوایدی که دارند مانند افزایش دانش عمومی مربیان، تقویت یادگیری انفرادی، انعطاف‌پذیری، هزینه کم؛ اما منجر به بازتولید نابرابری‌های آموزشی در نظام‌های آموزشی کل جهان نیز شده است [۲،۳]. تحقیقات در مورد شکاف دیجیتال نشان داده است که چندین عامل اجتماعی-اقتصادی منجر به عدم تقارن در اجرای فاوا و استفاده آن در بین افراد شده است که عبارتند از: درآمد، سن، میزان تحصیلات و در رابطه با دیگران [۳۵]. در این میان آموزش و پرورش به‌عنوان یک عامل بسیار مهم شناخته می‌شود، زیرا نه تنها افراد تحصیل کرده بیشتر دوست دارند که با پیچیدگی فناوری کنش بیشتری داشته باشند، بلکه آنها در زندگی شخصی خود نیز در معرض فاوا قرار دارند [۳۶].

براساس تعریف سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۱، شکاف دیجیتالی، فاصله بین افراد، شرکت‌ها و نواحی جغرافیایی از نظر دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و میزان استفاده آنان از شبکه اینترنت است. بین آن‌هایی که دسترسی واقعی به فناوری ارتباطات و اطلاعات دارند با آن‌هایی که می‌توانند از آن به نحو کارا استفاده کنند و آن‌هایی که به چنین امکانی دسترسی ندارند فاصله زیادی است. نبود دسترسی به فاوا و خدمات آنها، زبان‌های اجتماعی و اقتصادی فراوانی در پی دارد [۴].

افرادی که دارای وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری هستند، از دست‌یابی به اطلاعات عقب می‌مانند و به همین دلیل نوعی شکاف آگاهی میان این طبقه با طبقه بالاتر پدید می‌آید. دروین، رسانه‌ها را مسبب مسئول شکاف آگاهی می‌داند؛ چرا که از نظر او رسانه‌ها اطلاعات را کمتر از راه‌های مؤثر و هدفمند به افرادی که به‌طور منظم پیام‌ها را دریافت نمی‌دارند، معرفی می‌کنند [۵].

در کشور ایران نیز آموزش به شیوه مجازی، علی‌رغم تمام فوایدش، موجب گسترش شکاف دیجیتال و نابرابری‌های آموزشی شده است. دو عنصر اساسی اصل عدالت، برابری و نابرابری است. عنصر برابری مانع از تبعیض نارواست. با فرض اینکه برابری در شرایط فراهم گردد، عنصر دوم، یعنی نابرابری، می‌تواند همچنان وجود داشته باشد. این نابرابری، زمینه‌ساز توجه به تفاوت‌هاست؛ تفاوت‌هایی که به‌طور عمده ناشی از تلاش‌های متفاوت افراد است. لذا برقراری عدالت آموزشی؛ اصلی است ناظر به عدالت اجتماعی و چون قاعده‌ای تجویزی بیانگر آن است که فعالیت‌های رایج در قلمرو تعلیم و تربیت، باید به صورت عادلانه برقرار شود. عدالت آموزشی در حوزه توزیع و در سطح کلان، مستلزم آن است که امکانات تعلیم و تربیت، به‌طور برابر میان مناطق مختلف آموزش و پرورش توزیع گردد. اگر بحث عدالت آموزشی را محدود به محیط‌های آموزشی کنیم، می‌توان سه دسته

تجهیزات آموزشی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و با محیط سنتی متفاوت است؛ چرا که در محیط مجازی از فناوری ارتباطات الکترونیکی به‌عنوان ابزاری در راستای حمایت و بهبود فرایند یادگیری استفاده می‌شود [۲۷]. پیشرفت جهان در فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث گسترش وسیع فرصت‌های یادگیری و دسترسی به منابع علمی و آموزش؛ یعنی، عدالت آموزشی که باعث جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جهانی، سنی، زبانی، طبقه اجتماعی می‌باشد، شده است [۲۹]. عدالت آموزشی در بعد کلان نوعی نگاه انسان‌گرایانه و عدالت‌خواهانه را با خود به همراه دارد که غالباً شاخص یک جامعه توسعه‌یافته در نظر گرفته می‌شود [۳۰]. ولی در بُعد خرد، عدالت آموزشی ابزار و ساز و کاری است که امکان پرورش قابلیت را برای شکوفاشدن اندیشه‌های خلاق به‌طور مساوی تأمین می‌کند [۳۱]. این مفهوم سال‌ها و قرن‌ها است که به‌عنوان یکی از آرزوهای بشر به‌خصوص برای اقشار متوسط و ضعیف جوامع مختلف مطرح بوده است [۳۲]. یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری اجتماعی برقراری عدالت آموزشی و دسترسی آحاد جامعه به آموزش و پرورش است [۳۳]. این شکل از عدالت به شیوه‌های عملکردی مبتنی بر انصاف، برخورد یک دست و بدون جانب‌داری، راهنمایی متناسب با توانایی‌های دانش‌آموزان، رعایت عدالت در ارزیابی و ارائه امتیازها اشاره دارد [۳۴].

این در حالی است که در دنیای پرشتاب کنونی، بسیاری از روش‌های آموزشی سنتی ناکارآمد و کند هستند و قدرت کافی برای انتقال مفاهیم به فراگیران ندارند. بنابراین، لازم است که از ابزارهایی که فناوری‌های نوین در اختیار قرار می‌دهند، در این زمینه به نحو احسن استفاده گردد. از جمله این ابزارها، فناوری اطلاعات و ارتباطات است که موجب خدمات و پیشرفت‌هایی بسیار در عرصه آموزش و یادگیری شده است. بنابراین، می‌توان با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌هایی که این فناوری‌ها به ارمغان آورده است، ضمن افزایش سرعت در یادگیری، شرایط یادگیری را برای استعدادها و سلیقه‌های گوناگون فراهم آورد [۱].

آموزش به شیوه الکترونیکی همچنین نسبت به آموزش سنتی دارای مزایای عمده‌ای است. انعطاف‌پذیری و حذف تردهای بی‌مورد و پرهزینه برای شرکت در دوره‌های آموزش از مهم‌ترین آنها به شمار می‌آید. اما این آموزش دارای مزایای دیگری نیز به شرح زیر می‌باشد: هزینه برگزاری دوره‌های آموزش الکترونیکی گران نبوده و با استفاده از نرم‌افزارها و ابزارهای موجود می‌توان اقدام به برگزاری این دوره‌ها نمود. فراگیران قادر به تنظیم آهنگ یادگیری با توجه به شرایط خود هستند. اکثر برنامه‌های آموزش الکترونیکی را می‌توان در زمان نیاز به آن استفاده کرد. سرعت فراگیری آموزش الکترونیکی نسبت به آموزش سنتی به مراتب بیشتر بوده و حداقل ۵۰ درصد بهبود و سرعت را به دنبال خواهد داشت. فراگیران این دوره‌ها می‌توانند مطالبی را که با آن‌ها آشنایی دارند مطالعه نکرده و به بررسی مواد جدید بپردازند. آموزش الکترونیکی از پیام‌های یکنواخت برای

متابه یک سرمایه اجتماعی بررسی کند و در نهایت با استفاده از این تحلیل چارچوب مفهومی جدیدی را برای تبیین نابرابری آموزشی ارائه دهد [۹]. ذاکری همامانه و دستوار در پژوهشی با عنوان "فضای مجازی و نابرابری‌های اجتماعی" به این مهم دست یافتند که روابط بین شکاف دیجیتالی و نابرابری اجتماعی پیچیده است، از یک طرف نابرابری‌های اجتماعی موجود به‌طور قابل توجهی دسترسی و استفاده از اینترنت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر شکاف دیجیتالی بازتولید نابرابری اجتماعی را درون و بین کشورها تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۰].

بازتولید نابرابری‌های آموزشی بر بنیاد اندیشه‌های اپل "به این نتیجه دست یافت که تعلیم و تربیت باید در توسعه دموکراسی نقش‌آفرینی کند و شهروندان را برای ارزش‌گذاری و نقد تعارض‌های اجتماعی و آموزشی آماده سازد. براساس یافته‌های پژوهش او بینش یک‌سویه فنی به آموزش‌های مجازی زمینه‌ساز بازتولید نابرابری‌های آموزشی و تثبیت و تداوم آن است. در مقابل باور به خنثی‌نبودن آموزش مجازی و بینش فرهنگی به آن و نقد و بررسی مسائل اجتماعی مرتبط با پدیدآوری و گسترش آموزش‌های مجازی مانند برابری آموزشی و آزادی از سویی فراگیران زمینه‌ساز مقاومت در برابر پیامدهای نامطلوب گسترش و آموزش‌های مجازی است [۳].

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم پژوهش‌های گوناگونی که انجام شده است، اما تاکنون پیرامون نقش آموزش به شیوه مجازی در بازتولید نابرابری آموزشی پژوهشی صورت نپذیرفته است. لذا در این زمینه خلاء پژوهشی وجود دارد.

۳- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. تحلیل به معنای برگرداندن یک اندیشه یا مفهوم یا گزاره نا روشن است به اندیشه یا مفهوم یا گزاره‌های روشن؛ بدانسان که معنا بی‌آنکه دگرگون شود، روشن‌تر شود. یعنی مفهوم‌ها، واژه‌ها و گزاره‌های جانشین شده، دقیق‌تر، رساتر و روشن‌تر شوند [۱۱]. به عبارت دیگر، تحلیل مفهومی، تحلیلی است که پژوهش به واسطه آن به فهم معتبری از معنای عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابد. این نوع تحلیل به فراهم‌آوردن تبیینی روشن از معنای یک مفهوم ناظر است که به واسطه توضیح دقیق ارتباط‌های آن مفهوم با سایر مفاهیم مشخص می‌شود. هرچند فنون تحلیل مفهوم مختلفی هستند، اما همه گویای این نکته هستند که استفاده کنندگان توانمند زبان در شرایط مختلف، چه خواهند گفت یا چه نخواهند گفت. بر همین اساس، فرایند تحلیل در این پژوهش بدین صورت است که ابتدا به تحلیل انواع نابرابری در نظام آموزشی پرداخته می‌شود، سپس به واکاوی نقش آموزش‌های مجازی در بازتولید نابرابری آموزشی پرداخته می‌شود.

عوامل را در آن دخیل دانست: (۱) موقعیت، منابع و امکاناتی که از طرف مسئولان نظام آموزشی تدارک دیده می‌شود مانند معلم، منابع اولیه، برنامه درسی، محیط آموزشی؛ (۲) ویژگی‌هایی که از طرف دانش‌آموزان وارد محیط آموزشی می‌شود. مانند زمینه اقتصادی، فرهنگی و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان و (۳) ویژگی‌های نامحسوس که در نتیجه برخورد متقابل همه این عوامل به‌وجود می‌آیند. مانند نوع برخورد معلمان با کودکان و نوع برخورد دانش‌آموزان با یکدیگر. لذا عدالت آموزشی مفهومی وسیع است که جوانب گوناگونی دارد [۶]، به تبع آن نابرابری (ناعدالتی) آموزشی نیز مفهومی ذومراتب است که در برگزیده توزیع نابرابر منابع و امکانات، شکاف اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی است.

لذا این پژوهش درصدد است تا به تحلیل نقش آموزش به شیوه مجازی در بازتولید نابرابری آموزشی در کشور بپردازد. و به دنبال پاسخ‌گویی به دو سؤال برآمده است:

۱. ابعاد و مؤلفه‌های نابرابری‌های آموزشی در قلمرو تعلیم و تربیت کدامند؟
۲. آموزش به شیوه مجازی چگونه باعث بازتولید نابرابری آموزشی در کشور شده است؟

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی پیرامون نابرابری اجتماعی و فناوری‌های نوین آموزشی انجام پذیرفته است که عبارتند از:

جلالی در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل رابطه بین نابرابری طبقاتی و نابرابری‌های آموزشی با تأکید بر نقش متغیرهای وابسته" به این نتیجه رسیده که تعلق و اختصاص به طبقه طبقات اقتصادی و اجتماعی و متوسط و پایین، تمایزاتی را در برخورداری و محرومیت‌ها از فرصت‌ها و امکانات آموزشی می‌آفریند که امکان تثبیت و تحکیم پایگاه و منزلت اجتماعی برای طبقه بالا تغییر و تحرک اجتماعی به پایگاه و منزلتی برتر برای طبقه متوسط و نامیدی در تغییر وضعیت و موقعیت برای طبقه محروم را زمینه‌سازی می‌کند [۷] شارع‌پور نیز در پژوهشی با عنوانی با عنوان "نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی" انجام داد، به این نتیجه دست یافت که، تحلیل شبکه‌ای به ما اجازه می‌دهد با بررسی الگوهای رابطه‌ی، منابع موجود در شبکه دانش‌آموز و میزان پیوند او با عاملان نهادی را تعیین کنیم. این اطلاعات می‌تواند در تبیین نابرابری آموزشی بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی کمک مؤثری باشد، زیرا توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی در بین گروه‌های مختلف می‌تواند سبب بازتولید نابرابری‌های اجتماعی از جمله نابرابری آموزشی در بین دانش‌آموزان شود [۸].

دهقان در مقاله‌ای با عنوان "نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی با توجه به رویکرد شبکه" به این موضوع پرداخته و به جای تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های فردی آنان، ساختار روابط بین کنشگران را مورد توجه قرار داده وی در این مقاله سعی کرده شبکه را به

نظام آموزش و پرورش است. بر همین اساس می‌توان گفت شکاف دیجیتال صرفاً معطوف به عدم امکانات نیست و جنبه‌های گوناگونی در نظام آموزش و پرورش کشور از قبیل انگیزه، دانش و بینش، ارتباط با قدرت، ایدئولوژی، زیرساخت‌ها و ... بر آن تأثیرگذار هستند [۴۰].

۴-۲- نابرابری جنسیتی

در سراسر جهان مردان بیشتر از زنان به اینترنت دسترسی و از آن استفاده دارند، همچنین در کشورهای کمتر توسعه‌یافته هنجارهای جنسیتی پدرسالارانه از موانع دسترسی زنان به اینترنت است. خوانش‌های ماتریالیستی از ماتریس جنسی-فناوری بر فقدان دسترسی زنان به فناوری کامپیوتری و به مهارت ماشینی تأکید و مردانه‌شدن دائمی فضای سایبر در تعدادی از سطوح را برجسته کردند [۴۱]. نابرابری جنسیتی در آموزش به این معنا است که پسران فرصت‌های کسب آموزش بیشتری از دختران برخوردارند و مهم‌تر اینکه متوسط توانایی‌های ذاتی کسانی که آموزش کسب کرده‌اند و کسانی که آموزش کسب نکرده‌اند، متفاوت خواهد بود. لذا این به معنای کاهش بهره‌وری سرمایه انسانی در اقتصاد و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین می‌تواند به معنای افزایش اثر آموزش مردان و کاهش اثر آموزش زنان بر روی رشد اقتصادی شود [۴۲].

شواهد زیادی نشان می‌دهند نابرابری جنسیتی، از موانع توسعه در کشورهای جهان سوم است. مطالعات زیادی نابرابری جنسیتی آموزش پرداخته‌اند با این حال اکثر این مطالعات، آموزش زنان را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند. این استدلال وجود دارد که نابرابری‌های جنسیتی در بحث آموزش، به علت هنجارها و فرهنگ جامعه مورد بررسی، رخ می‌دهد [۴۳]. باورهای ناشی از فرهنگ و نقش‌های زنان در جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه به گونه‌ای است که فرزندان پسر برای آموزش و تحصیل در اولویت قرار داده می‌شوند [۴۴]. حتی در شرایط برقراری تحصیل رایگان، سایر هزینه‌ها (مانند کتب درسی، سرویس مدرسه و غیره) خانواده‌های کم‌درآمد را به تبعیض به نفع پسران وا می‌دارد [۴۵].

پژوهش‌های بسیاری تأثیر کلیشه‌های جنسیتی را به‌خصوص در پیشرفت و انگیزش تحصیلی زنان و دختران نشان داده است. این قضیه این حس را القا می‌کند که برتری مرد در جامعه به‌عنوان یک کل و به‌طور گسترده به رسمیت شناخته شده است [۴۶، ۴۷]. نابرابری جنسیتی به درجات مختلف در طول زمان و همه کشورها وجود داشته و از کهن‌ترین پدیده‌های جامعه بشری است [۴۸]. در بسیاری از جوامع زنان نسبت به مردان فرصت‌های آموزشی کمتری دارند. روابط ناموزون در قدرت، دسترسی آنان را به منابع مالی، اشتغال، آموزش محدود می‌کند [۴۹]. ابعاد نابرابری به‌طور گسترده شامل حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی است [۵۰]. اشکال مختلف نابرابری اغلب به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند [۵۱]. موانع قانونی مانند ارث‌بردن زنان از اموال، درخواست ازدواج، طلاق و یا ازدواج اجباری و نیز قوانین عرفی

۴-۱- یافته‌های پژوهش

نابرابری در قلمرو آموزش و پرورش دارای ابعاد گوناگونی است. که براساس این ابعاد می‌توان مؤلفه‌های نابرابری آموزشی را مشخص نمود. کنت کنیستون در همین راستا چهار بُعد از شکاف دیجیتالی را مطرح کرده است. از نظر وی، اولین نوع شکاف در هر کشوری اعم از صنعتی و درحال توسعه و در میان غنی، تحصیل‌کرده، قدرتمند و کسانی که از این نعمت‌ها بی‌بهره‌اند، شکاف اقتصادی است. شکاف دیجیتالی دوم که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، شکاف زبان‌شناختی و فرهنگ است. سومین شکاف دیجیتالی، شکاف کشورهای غنی و فقیر است که به دو شکاف فوق مربوط می‌شود و چهارمین شکاف نیز به تفاوت بین سبک زندگی افرادی که در بطن فناوری اطلاعات یا صنایع نوظهور مشابه مانند بیوفناوری قرار دارند و افرادی که در سایر مشاغل فعالیت می‌کنند، مربوط می‌شود [۱۲]. بر همین اساس می‌توان گفت چالش‌های عمده آموزش به شیوه مجازی عبارتند از: نابرابری اقتصادی، نابرابری جنسیتی، نابرابری فرهنگی، نابرابری در توزیع منابع و امکانات (فضایی).

۴-۱- نابرابری اقتصادی

تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که بین نابرابری درآمد و دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات رابطه متقابل وجود دارد. از یک طرف ممکن است دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش یا کاهش نابرابری درآمد شود و از طرف دیگر نابرابری درآمد نیز ممکن است مانع پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات شود [۳۷].

تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که: در سطح فردی، بین افزایش درآمد یک فرد و میزان استفاده و دسترسی وی به فاوا رابطه دوطرفه مثبت وجود دارد. در سطح کل، نابرابری درآمد، نابرابری در دسترسی به فاوا را افزایش می‌دهد، اما نابرابری و دسترسی به فاوا ممکن است نابرابری درآمد را افزایش یا کاهش دهد [۳۸]. طبق گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، افرادی که دارای دانش بسیار کارآمد در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید هستند یا مهارت‌های مناسب برای کار (مثلاً در بخش مالی) را دارند افزایش قابل توجهی در دستمزدها و درآمد شخصی را تجربه کردند. درحالی‌که کارگران با سطح مهارت پایین و یا بدون مهارت، دستمزد پایینی دریافت نمودند. برخی اندیشمندان ادعا می‌کنند افرادی که دارای وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری هستند، از دست‌یابی به اطلاعات عقب می‌مانند و به همین دلیل نوعی شکاف آگاهی میان این طبقه با طبقه بالاتر پدید می‌آید. دروین، رسانه‌ها را مسبب و مسئول شکاف آگاهی می‌داند؛ چرا که از نظر او رسانه‌ها اطلاعات را کمتر از راه‌های مؤثر و هدفمند به افرادی که به‌طور منظم پیام‌ها را دریافت نمی‌دارند، معرفی می‌کنند [۳۹]. یکی از نهادهایی که شکاف دیجیتال در آن بروز پیدا کرده است، نهاد تعلیم و تربیت کشور است که از جمله اهدافش تحقق عدالت در

فرزندان خود فراهم می‌کنند زیرا کودک با استفاده از این منابع فرهنگی می‌تواند انتظارات مدرسه را برآورده سازد [۱۴].

مفهوم سرمایه فرهنگی در کانون توجه نظریه‌پردازان بازتولید فرهنگی قرار می‌گیرد، به اعتقاد آنان هر خانواده بیشتر به صورت غیرمستقیم به کودکان خود یک سرمایه فرهنگی معین و خلق و خوی خاص را انتقال می‌دهد. این خلق و خو، نظامی از ارزش‌ها و هنجارهای پیچیده و عمیق درونی شده است که در کنار سایر عوامل، نسبت به نهادهای آموزشی نگرش‌هایی را به وجود می‌آورد. این سرمایه فرهنگی که چیزی متفاوت از طبقه اجتماعی است، در هنگامی که کودکان با سؤالات و آزمون‌ها روبرو می‌شوند. باعث ایجاد نابرابری در نقطه شروع کودکان و در نتیجه، نابرابری در پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود [۱۵].

اولین بار مفهوم سرمایه فرهنگی برای تحلیل این‌که چگونه فرهنگ و تحصیلات عامل دارد و در بازتولید اجتماعی سهمیه هستند، به کار برده شده است [۱۴]. بورديو به استناد تمایزی که بر بین طبقه و گروه‌های منزلتی قائل است، به سيطرة جبرگرایي اقتصادی سنت مارکسیستی بر ادبیات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پایان داده و با طرح کلید واژه سرمایه فرهنگی، رویکرد نوین در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ارائه داده است.

به زعم وی سرمایه فرهنگی قابل تفکیک به سه مقوله است: الف) سرمایه فرهنگی محاط شده بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. در واقع، سرمایه فرهنگی محاط شده توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در صورت تصویب شده‌اند؛ ب) سرمایه فرهنگی عینی از جمله کالاهای فرهنگی و اشیای مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری می‌باشد؛ ج) فرهنگی نهادینه شده از جمله صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج عینیت پیدا می‌کنند و به دارنده آنها، هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی، ارزش‌های اجتماعی تعریف شده می‌دهد [۱۶].

ویژگی‌های بارز نظریه سرمایه فرهنگی بورديو، تحلیل ساز و کار موفقیت‌های تحصیلی با عنایت به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند- دانش‌آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگ مسلط را در اختیار دارند- بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برترهای فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند، در خود پرورش دهند [۱۶]. بر این اساس، طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و بیشتر قادرند که این نوع سرمایه را در فرزندانشان به ودیعه بگذارند. با افزایش سرمایه فرهنگی در نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان ایشان افزایش می‌یابد. بورديو در تحلیل موفقیت‌های تحصیلی طبقات مختلف اجتماعی خاطر نشان می‌کند که همگام با گسترش سریع آموزش عالی، سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک نیروی جدید در فرایند پایگاه-موفقیت وارد عمل می‌شود. به عقیده وی کودکان متعلق به زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی

مالکیت و کنترل بر منابع خانواده توسط مرد، منجر به تبعیض در خانواده قدرت مردان و همچنین محدودیت دسترسی زنان به منابع و از جمله درآمد، آموزش و پرورش و دارایی‌های دیگر می‌شود [۱۷].

بر همین اساس می‌توان گفت نابرابری جنسیتی می‌تواند در سطوح زیادی مانند آموزش، استخدام، سیاست و حقوقی اعمال شود. نابرابری جنسیتی در آموزش احتمالاً به‌طور غیرمستقیم از طرق مختلف از جمله کاهش میزان باروری، افزایش طول عمر جمعیت و افزایش انسجام اجتماعی بر روی آموزش اثر گذارد. با وجود این یکی از راه‌های ممکن که به‌طور گسترده مورد بررسی قرار نگرفته پیامدها و نتایج آموزش است. نابرابری جنسیتی ممکن است تأثیر منفی روی نتایج آموزشی و بالطبع روی رشد اقتصادی داشته باشد [۱۸]. برنامه‌های نهادهای آموزشی از پیشرفت و موفقیت تحصیلی دختران جلوگیری می‌کند. در این ادبیات دانشجویان دختر در مؤسسات آموزشی با فضای دلسردکننده و غیرمنصفانه مواجه می‌شوند که هم بر آمادگی‌های روانی و هم پیشرفت تحصیلی آن‌ها اثرات منفی دارد [۱۹].

کلیشه‌های جنسیتی و رفتارهای تربیتی نامتوازن و نابرابر در همان اوان کودکی و در بطن خانواده وجود دارند و به این ترتیب، پایه‌های نابرابری جنسیتی در خانواده ریخته می‌شوند. ویژگی‌هایی که در فرهنگ جوامع اروپایی زنانگی و مردانگی نامیده می‌شوند لزوماً از موقعیت زیستی مذکر یا مؤنث بودن ریشه نمی‌گیرند، بلکه حاصل از الگوهای فرهنگی‌اند که در شکل‌دادن به شخصیت زن یا مرد مؤثرند [۲۰]. عده‌ای در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت در نگرش‌های مربوط به نقش‌های سنتی جنسیتی با شکل زندگی خانوادگی ارتباط دارد. براساس نظریه جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی و نابرابری جنسیتی را آغاز کودکی از طریق فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی در پسران و دختران نهادینه می‌شود و هر فردی، بدون توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌اش، براساس جنسیت خود به سوی انتخاب نقش اجتماعی سوق داده می‌شود [۲۱]. تفاوت جنسیتی، یک عامل عمده کلی در نابرابری آموزشی است. فرصت‌های آموزشی برابر برای زنان به‌طور گسترده‌ای در دسترس است به‌طوری‌که هر دانش‌آموز دختر می‌تواند یک آموزش پایه را دریافت کند. اگرچه هنوز هم یک شکاف آموزشی بین مردان و زنان وجود دارد که تا حدی نتایج حاصل از نظام آموزشی و علل دیگری چون فرهنگ، آداب و رسوم و مفاهیم خانواده است [۲۲].

۴-۳- نابرابری فرهنگی

براساس نظریه سرمایه فرهنگی، بخشی از تأثیر خاستگاه خانوادگی بر موفقیت تحصیلی ناشی از برخورداری برخی از دانش‌آموزان از منابع فرهنگی بیشتر است. منظور از منابع فرهنگی، آشنایی دانش‌آموزان با قواعد حاکم بر فرهنگ و تجلیات هنری آن است. بدین ترتیب براساس نظریه سرمایه فرهنگی تأثیر خاستگاه اجتماعی خانواده بر موفقیت تحصیلی فرزند ناشی از نوع و میزان منافع فرهنگی است که والدین برای

دیگر، بدون در نظر گرفتن جنسیت، پایگاه اجتماعی، اقلیت یا اکثریت بودن، نژاد و مانند آن، بتوانند به صورت مساوی از امکان دستیابی به یک پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا در جامعه برخوردار باشند.

این امر در وهله اول نیازمند رفع موانع پیشرفت شخصی افراد جامعه است. یکی از موانع جدی، کمبود امکانات مادی پیشرفت در بعد تحصیلی است که کلمن از آن با تعبیر «فراهم کردن امکان آموزش یکسان برای کودکان فارغ از سوابق خانوادگی» یاد می‌کند. در سطحی وسیع‌تر، ابعاد غیرمادی امکانات و تسهیلات آموزشی برابر را می‌توان به محیط‌های مانند ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رغبت‌های تحصیلی برابر نیز تسری داد [۲۰].

یکی از مهم‌ترین موارد نابرابری‌ها، نابرابری فضایی است. منظور از نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی در فضا است. نابرابری فضایی می‌تواند شامل نابرابری‌ها بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ مناطق محروم و برخوردار و ... باشد [۲۱]. نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه به عمل نیاید، موجب تراکم جغرافیایی فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم کند، باعث تضعیف انسجام ملی و جامعه شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌سازد. در کشور ایران نیز تفاوت‌ها و نابرابری‌های ناحیه‌ای با نرخ نگران‌کننده‌ای در حال افزایش بوده است؛ این وضعیت به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه‌یافته‌تر منجر شده است [۲۲].

منظور از نابرابری فضایی در قلمرو آموزش و پرورش، نابرابری آموزشی میان مناطق و توزیع نابرابر فرصت‌ها امکانات و مواهب آموزشی در فضا (مناطق) است که می‌تواند جلوه‌های متفاوتی به خود بگیرد. اشکال قابل رویت آن در کشورهای در حال توسعه عبارت است از: نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی درون شهرهای بزرگ (به اصطلاح شمال و جنوب) نابرابری بین مناطق محروم و برخوردار و غیره [۲۱].

۵- مؤلفه‌های نابرابری آموزشی در قلمرو تعلیم و تربیت

بر اساس ابعاد چهارگانه نابرابری آموزشی که بیان شد، اینک می‌توان مؤلفه‌هایی را که در هر بُعد منجر به بروز نابرابری آموزشی و شکاف دیجیتال در نظام تعلیم و تربیت کشور شده است را برشمرد.

جدول ۱- مؤلفه‌های نابرابری آموزشی در قلمرو تعلیم و تربیت

مؤلفه	ابعاد
پایین بودن سطح درآمد، گران بودن تجهیزات الکترونیک، اختلاف طبقاتی، فقر و مشکلات معیشت	بُعد اقتصادی
نگرش مردسالارانه، محدودیت‌های عرفی و مذهبی، باورهای غلط نسبت به حضور زنان در فضای مجازی، کلیشه‌های جنسیتی	بُعد جنسیتی
پایین بودن سطح سواد دیجیتال در قومیت‌ها، زبان، مذهب، نژاد، آداب و رسوم، تمایزات فرهنگی	بُعد فرهنگی
کمبود منابع و امکانات، پایین بودن پهنای باند اینترنت در مناطق محروم	بُعد فضایی

مسلط در منزل غالباً در معرض فعالیت‌های فرهنگی بلندمرتبه قرار می‌گیرند و آنانی که سرمایه فرهنگی را در منزل کسب می‌کنند، احتمالاً در مدرسه موفق‌ترند و در نتیجه، شانس بیشتری برای رسیدن به سطوح بالای آموزش در مقایسه با دیگران دارند. کودکانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند، برای گذراندن مواد درسی آماده‌ترند و ذوق بیشتری برای یادگیری مفاهیم ذهنی و انتزاعی دارد در مقایسه با کودکانی که سرمایه فرهنگی کمتری دارند، بیشتر مورد توجه معلمان قرار می‌گیرند [۱۷].

از نظر وی سرمایه فرهنگی عادات و منسب، مشرب و خلق و خوی فرهنگی است که از خانواده به فرزندان منتقل می‌شود و گویی به ارث می‌رسد [۱۷]. در واقع وی مفهوم سرمایه فرهنگی را جعل کرد تا نشان دهد که برای تبیین نابرابری‌های آموزشی تنها استفاده از سرمایه اقتصادی کافی نیست بلکه بیشتر از عوامل اقتصادی، رفتارهای فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از خانواده هستند که نقش مهمی در موفقیت‌های مدرسه دارند [۱۸]. مفهوم سرمایه فرهنگی در واقع جایگزین مفاهیم ساختاری همچون طبقات اجتماعی شده است. به عقیده بورديو کودکان متعلق به زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی مسلط، در منزل غالباً در معرض فعالیت‌های فرهنگی بلندمرتبه قرار می‌گیرند و آنهایی که سرمایه فرهنگی را در منزل کسب می‌کنند احتمالاً در مدرسه موفق‌ترند و در نتیجه شانس بیشتری برای رسیدن به سطوح بالای آموزش در مقایسه با دیگران دارند [۱۹]. سرمایه فرهنگی به شیوه‌های فرهنگی خاصی اشاره دارد که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی در افراد تثبیت شده است و نیز ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لزوم فرهنگی را در بر می‌گیرد. و کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و سلیقه‌های گوناگون شده، و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف از قبیل روزنامه، سینما و انواع ورزش‌های خاص طبقات بالای اجتماعی، مانند اسب‌سواری، گلف و مانند آن را موجب می‌شود. در واقع استفاده‌کنندگان از سرمایه فرهنگی، در قشریندی اجتماعی در طبقه بالای اجتماع قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر دارندگان امتیازات اقتصادی که در بالای اجتماع قرار دارند، به راحتی به ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی دست می‌یابند [۱۸].

در واقع هدف وی تنها این نیست که نشان دهد طبقات مختلف دارای سرمایه‌های فرهنگی متفاوت (در نوع و حجم) هستند، بلکه او قصد داشت نشان دهد که طبقات اجتماعی از طریق ایجاد سرمایه فرهنگی در کودکان خود را بازتولید می‌کند و از همین مسیر فردی سرمایه فرهنگی و بازتولید طبقاتی خلق می‌شود [۱۹].

۴-۴ نابرابری در توزیع منابع و امکانات (فضایی)

به موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن، حتی افراد فاقد پایگاه مناسب و ثروت و یا عضو گروه‌هایی که از امکانات و امتیازات ویژه برخوردار نیستند، امکان تحرک اجتماعی با توسل به تحصیل را داشته باشند. به عبارت

۴- آموزش‌های مجازی و بازتولید نابرابری آموزشی**۱-۶ بازتولید نابرابری جنسیتی**

شکاف جنسیتی به این معنی که اگر دسترسی و استفاده از فناوری‌های اطلاعات پیوند مستقیمی با توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد، پس باید این اطمینان حاصل شود که زنان در کشورهای در حال توسعه اهمیت فناوری‌های مذکور را درک کرده و آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند [۲۳]. بدین صورت که تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در دسترسی افراد به فناوری نوین، بر زنان جامعه بیشتر از مردان است، زیرا در بیشتر جوامع، زنان نسبت به مردان از نظر آموزش، منابع مالی، مکان، فرهنگ و مهارت در سطح پایین‌تری قرار دارند و از امکانات کمتری برخوردارند [۲۴]. طبق گزارش آی‌تی‌یو از نظر شکاف جنسیتی در استفاده از اینترنت در ایران، در سال ۲۰۰۹، مردان با ۱۵/۴٪ و زنان ۱۱/۷٪ و دارای شکاف جنسیتی در حدود ۳/۷- درصد بوده است [۳۹]. در کشور ایران نیز گزارش سالانه سازمان فناوری و اطلاعات در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ حاکی از شکاف جنسیتی کاربران به تفکیک استان‌ها می‌باشد. بدین صورت که بیشترین میزان شکاف جنسیتی استفاده زنان از اینترنت در استان‌های سیستان و بلوچستان ۶۵/۱٪، اردبیل ۶۵/۰٪، چهارمحال و بختیاری ۶۰/۰٪ و ایلام ۱۹/۶٪ می‌باشد. استان‌های با کمترین شکاف جنسیتی در استفاده از اینترنت عبارتند از: استان‌های سمنان ۰۰/۰۰٪، هرمزگان ۴/۷٪، البرز ۴/۹٪ و تهران ۵/۵٪ می‌باشد [۲۵].

بر همین اساس می‌توان گفت شکاف جنسیتی در برخی مناطق کشور به فاصله بین مردان و زنان انجامیده است که حاصل استفاده و بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی به صورت نابرابر است.

۲-۶ بازتولید نابرابری در توزیع منابع و امکانات (فضایی)

فناوری اطلاعات و ارتباطات علی‌رغم تمام مزایا و فرصت‌هایی که برای نظام‌های آموزشی به ارمغان آورده است، اما عدم توزیع برابر منابع و امکانات مانند پهنای باند اینترنت، بهره‌گیری از کلاس‌های هوشمند، وسایل و نرم‌افزارهای کمک آموزشی در برخی مناطق کشور، موجب بازتولید نابرابری آموزشی در نظام آموزشی کشور شده است [۲۶]. علم‌الهدی در همین راستا معتقد است نظریه‌های عدالت اجتماعی دارای دو دغدغه اساسی هستند؛ اول، توزیع برابر منابع و مواهب و دوم، برابری فرصت‌های مشارکت. ولی باید به این نکته نیز توجه داشت که عدالت توزیعی به کاهش تمایزها و مشابه‌سازی یا اشتراک معطوف است، درحالی‌که عدالت مشارکتی ناظر به تمایز و خاص شدن می‌باشد [۲۷].

۳-۶ بازتولید نابرابری اقتصادی

فناوری‌های نوین آموزشی با توجه به روزآمدی و سهولت استفاده، اغلب برای دولت‌ها و شهروندان هزینه‌بر و نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان است. بر همین اساس اغلب به دلیل کمبود بودجه و مشکلات اقتصادی و

تحریم‌ها، فراهم کردن امکانات فاوا برای مردم با مشکلات مالی مواجه است. از طرفی نیز شهروندان، بالاخص در مناطق محروم و کمتر برخوردار توان خرید وسایل کمک آموزشی برای آموزش مجازی را ندارند. بر همین اساس می‌توان گفت آموزش‌های مجازی در صورتی که نتواند با وضعیت اقتصادی شهروندان یک جامعه تناسب داشته باشد، موجبات بازتولید نابرابری آموزشی را فراهم می‌کند. به نظر گروهی از محققان، علاوه بر تفاوت‌ها در میزان دسترسی به فناوری، نوعی نابرابری در میان کاربران اینترنت در استفاده از سود حاصل از فناوری نیز وجود دارد که سبب ایجاد شکاف دیجیتالی برای کاربران است. چنان‌که نوعی سلسله مراتب جدید و اختلاف طبقاتی نو را ایجاد کرده است. در واقع، در حال حاضر شاهد شکل‌گیری دو طبقه ثروتمندان و فقرای اطلاعاتی هستیم. طبقه اول شامل افراد یا گروه‌هایی می‌شود که به لحاظ مالی و فنی از امکانات مناسب و بالایی برای دسترسی به آخرین اطلاعات برخوردارند و در نتیجه از فرصت‌ها و موقعیت‌های پیش آمده بهترین بهره‌برداری را می‌کنند و در مقابل، طبقه دوم، طبقه فقرای اطلاعاتی هستند که به دلیل دسترسی نداشتن به اطلاعات، امکان بهره‌برداری مناسب از فرصت‌ها را نمی‌یابند [۶۰].

۴-۶ بازتولید نابرابری فرهنگی

یکی از نظریات مهم در رابطه با فرهنگ و تربیت، «نظریه بازتولید فرهنگی» است. فرضیه اساسی این نظریه آن است که درون نظام آموزشی شکل خاصی از نظم اجتماعی وجود دارد که این نظم ناشی از شرایط اجتماعی و تاریخی خارج از این نظام است. نظم اجتماعی، نظام آموزشی کاملاً به این شرایط خارجی وابسته است و در واقع، کارکرد آموزش و پرورش، انتقال میراث فرهنگی جامعه است. در این نظریه مهم است بدانیم که چه چیزی هم از طریق برنامه آموزشی و هم شکل سازمان مدرسه، به مدرسه انتقال پیدا می‌کند. تحصیل کردن و به مدرسه رفتن، نوعی نظام ارتباطی است که در آن، پیام فرهنگی خاصی تولید و تقویت می‌شود. براساس این، می‌توان استدلال کرد طبقات اجتماعی بالا نسبت به طبقات پایین‌تر، سرمایه فرهنگی (عادت‌واره) متمایز و متفاوت‌تری داشته باشند. همچنین از نظر بورديو «منش‌ها، نظام‌هایی از قابلیت‌های پایدار و انتقال‌دانی هستند که با فرایند آموزش و فرایند اجتماعی شدن و یا با تقلید و تأثیرپذیری، ساختارهای بیرونی را در افراد درونی می‌کنند و افراد با عمل خود، این ساختارها را بازتولید می‌کنند [۲۸].

براساس نظریه بازتولید نابرابری اجتماعی، می‌توان گفت آموزش‌های مجازی در فرهنگ‌هایی که در حاشیه هستند و از امکانات آموزش مجازی به دور هستند، در فقر فرهنگی بیشتری فرو می‌روند و این امر می‌تواند شکاف بین فرهنگی را در درون ملت‌ها و در سطح بین‌المللی افزایش دهد. صاحب‌نظران معتقدند تفاوت‌ها در برخورداری و دسترسی به فاوا، استطاعت مالی برای استفاده از آن و تفاوت توانایی‌ها بین مردم شمال، جنوب، شرق و غرب، ثروتمند و فقیر، جوان و پیر، باسواد و بی‌سواد و ساکنان مناطق روستایی و شهری، بی‌عدالتی‌هایی را به وجود آورده که منجر به شکاف دیجیتالی شده است [۶۳].

۷- نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها اینک می‌توان گفت آموزش مجازی در ابعاد جنسیتی، فضایی، اقتصادی و فرهنگی نظام‌های آموزشی تأثیرگذار است. هر یک از ابعاد نابرابری آموزشی دارای مؤلفه‌هایی هستند که در قلمرو تعلیم و تربیت موجب بازتولید نابرابری آموزشی شده‌اند. در واقع هر یک از این ابعاد، چالش‌هایی را برای انجام آموزش مجازی در کشور ایجاد کرده است که عدم توجه به آنها موجب می‌شود تا آموزش‌های مجازی که مدعی فراهم آوردن آموزش باکیفیت برای همه اقشار جامعه است، تبدیل به عاملی برای بازتولید نابرابری‌های آموزشی شود. بدین صورت که چالش جنسیتی در آموزش‌های مجازی موجب شکاف بیشتر بین جنس مرد و زن شده و حقوق زنان در مناطق محروم در بهره‌گیری از آموزش‌های مجازی پامال شده است. چالش توزیع منابع و امکانات (فضایی) نیز به دلیل فراهم‌نکردن امکانات برابر برای همه مناطق، موجب بازتولید نابرابری و شکاف دیجیتال در مناطق کشور شده است. بر اساس چالش اقتصادی، آموزش‌های مجازی به دلیل هزینه‌بر بودن برای مناطق محروم که توان خرید لوازم الکترونیکی (موبایل، تبلت و لپ‌تاپ) برای آموزش مجازی را ندارند و همین امر موجب شکاف طبقاتی و بازتولید نابرابری آموزشی در مناطق کشور شده است. بر اساس چالش فرهنگی نیز آموزش‌های مجازی به دلیل عدم فرهنگ‌سازی در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی، موجب شد که فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌هایی که در حاشیه هستند و از امکانات آموزش مجازی به دور هستند، در فقر فرهنگی بیشتری فرو می‌روند و این امر می‌تواند شکاف بین فرهنگی را در درون ملت‌ها افزایش دهد. لذا دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت اگر بخواهند آموزش‌های مجازی را نهادینه سازند باید موانع پیش‌روی عدالت آموزشی را برطرف نمایند تا بتوان به اهداف سند تحول بنیادین در افق ۱۴۰۴ که تحقق جامعه عدالت‌محور است، دست یافته شود.

۸- مراجع

- ۱- نوروزی، معصومه؛ زندی، فرانک؛ موسوی مدنی، فریبرز، "رتبه‌بندی روش‌های کاربرد فناوری اطلاعات در فرایند یاددهی- یادگیری مدارس، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۶، ۱۶-۱۷، ۱۳۸۷.
- ۲- زرغامی، سعید و بازقندی، پروین، "هستی‌شناسی فناوری اطلاعات: بازخوانی چرایی بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در تربیت"، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۲، ۱۲۰-۹۹، ۱۳۹۱.
- ۳- بازقندی، پروین، "ارزیابی نقش آموزش‌های مجازی در بازتولید نابرابری‌های آموزشی بر بنیاد اندیشه‌های ایل"، نهمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت، فضای مجازی و فلسفه تربیت، ۱۳۹۷.
- ۴- سعیدی، رحمان، جامعه اطلاعاتی شکاف دیجیتالی چالش‌ها و فرصت‌ها در جهان سوم، تهران، خجسته (چاپ اول)، ۱۳۸۵.
- ۵- نورایی، مریم، "شکاف دیجیتال"، مجله جهانی رسانه‌ها، ۱۳۸۵. بازیابی از: www.Globalmediajournal.com
- ۶- باقری، خسرو، نجفی، نفیسه، "عدالت در آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام با تأکید بر خصوصی‌سازی مدارس"، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۸ (۱)، ۴۳-۲۱، ۱۳۸۷.
- ۷- جلالی، محمدرضا، "تحلیل رابطه نابرابری‌های طبقاتی و نابرابری‌های با تکیه بر نقش متغیرهای واسطه‌ای"، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۹۱، ۱۵-۵۴، ۱۳۸۶.
- ۸- شارع‌پور، محمود، "نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی"، فصلنامه علوم تربیتی، شماره ۹۱، ۱۶۵-۱۸۰، ۱۳۸۶.
- ۹- دهقان، حسین، "نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی با توجه به رویکرد شبکه"، مجله رشد علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۴۲-۴۹، ۱۳۸۶.
- ۱۰- ذاکری هامانه، راضیه؛ دستوار، محمد، "فضای مجازی و نابرابری‌های اجتماعی" اولین کنفرانس بین‌المللی وب پژوهی، تهران، ۱۳۹۴.
- ۱۱- نقیبزاده، میرعبدالحسین، "نگاهی به نگرش‌های فلسفی سده بیستم: تهران، طهوری، ۱۳۹۰.
- ۱۲- نوری، مرضیه، "تحلیل فاصله جغرافیایی دیجیتالی بین کشورهای اسلامی"، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیای نویسان جهان اسلام، ۱۵-۱، ۱۳۸۰.
- ۱۳- هولمز، ماری، جنسیت و زندگی روزمره، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران، نقد افکار، ۱۳۸۷.
- ۱۴- احمدی، صدیقه، "بررسی رابطه جو عاطفی خانواده و بحران هویت در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه تربیت‌معلم، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۵- شارع‌پور، محمود، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، روان، ۱۳۹۳.
- ۱۶- علاقه‌بند، علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، روان، ۱۳۹۲.
- ۱۷- نوربخش، سیدمرتضی، "نقش سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده در موفقیت تحصیلی داوطلبان آزمون سراسری"، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۸۹.
- ۱۸- بوردیو، پیر، ذوق و سرمایه فرهنگی، ترجمه لیلی مصطفوی، مجله‌نامه فرهنگ، شماره ۳۰، ۱۳۷۸.
- ۱۹- فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- ۲۰- فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، چاپ اول، قم، انتشارات صبح صادق، ۱۳۸۲.
- ۲۱- دهقان، حسین، "انواع نابرابری‌های آموزشی"، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۸(۱)، ۴۲-۴۹، ۱۳۸۳.
- ۲۲- چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
- ۲۳- شیخ بگلو، رعنا؛ تقوایی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا، "تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۹۱.
- ۲۴- صراف، سها، "نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان ایران"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم ارتباطات اجتماع، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲۵- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات. دبیرخانه عالی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۹.
- ۲۶- باستانی، سوسن؛ میزبان، شهناز، "شکاف جنسیتی در کاربرد کامپیوتر و اینترنت: بررسی دانشجویان دانشگاه تهران، مجله مطالعات زنان، ۱۵(۱)، ۴۶-۴۵، ۱۳۸۶.
- ۲۷- علم‌الهدی، جمیله، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت (مبانی آموزش رسمی)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
- ۲۸- بوردیو، پیر، نظریه کنش، ترجمه محسن مریدیها، تهران، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۹.
- 29- H. Chu, M. Liao, T. Chen, C. Lin and Y. Chen. "Learning case adaptation for problem-oriented e-learning on mathematics teaching for students with mild disabilities", Expert Systems with Applications, vol. 38, pp. 1269-1281, 2011.
- 30- M. Alavi and D. E. Leidner, "Research commentary: technology-mediated learning- a call for greater depth and breadth of research", Information Systems, 2009.
- 31- C. Bennett, C. Both, and S. Yeadle, "Mainstreaming equality in the committees of the Scottish Parliament", University of Strathclyde, 2001. Retrieved from http://www.scottishparliament.eu/S1_EqualOpportunitiesCommittee/Reports/eo03-mer.pdf
- 32- A. Babadi, M. Sharif, and A. Jamshidian, "Provision and development equality of opportunities and educational justice in the general education of Esphahan Province", Social Welfare, 10(37), pp. 287-305, 2007.

- the Centre for Learning and Life Chances in Knowledge Economies and Societies, 2012.
- 53- T. Turmen, "Gender and HIV & AIDS", *International Journal of Gynecology and Obstetrics*, vol. 82, pp. 411- 418, 2003.
- 54- K. Sheehan, "Does Gender Inequality in Education Affect Educational Outcomes? Honors Scholar Theses", pp. 251, 2012. http://digitalcommons.uconn.edu/srhonors_theses/251.
- 55- M. Weavet-Hightower, "The body turn in reasearch on gender and education", *Review of Educational Research*, 73(4), pp. 471-498, 2003.
- 56- J. Yang, X. Huang, and L. Xin, "An analysis of education inequality in china.International", *Journal of Educational Development*, vol. 37, pp. 2-10, 2014.
- 57- P. Bourdieu, "Cultural reproduction and social reproduction in: power and ideology in education". Edited by Karbel, Jerome etal, New York: oxford university press, 1997.
- 58- A. Lareau, and E. B. Weininger, "Cultural Capital", 2003. available at: www.brockport.edu/sociology/faculty/cultural_capital.
- 59- P. Bourdieu, and J. C. Passeron, "The Inheritors: French Students and their Relations to Culture, Chicago". University of Chicago Press, 1979.
- 60- M. Kalmijn, and G. Kraaykamp, "Race, Cultural Capital and Schooling, an Analysis of Trends in the United States", *Sociology of Education*, (69)1, 196.
- 61- J. Cooper, "The digital divide: the special case of gender", *Journal of Computer Assisted Learning*, 22(12), pp. 320-334, 2006.
- 62- Fransoo, R., Ward, T., Wilson, E., Brownell, M., & Roos, N. The whole truth: Socio-economic status and educational outcomes. *Education Canada*. 45(3), 6-10. 2005
- 33- M. A. Mohammadi, and H. Dehghan, "The general education and modern discourse", Tehran, Education Research Center, (in Persian), 2004.
- 34- S. H. Shojaiipoor, "IT and virtual education (challenges and procedures)", Research Center of Information and Communication Technology, (in Persian), 2004.
- 35- M. Abdoos, "Effective factors in inequality educational opportunities between girls and boys", Summary of Engineering Theses Revisions in the General Education, Tehran, Education Research Center, (in Persian), 2002.
- 36- M. Golparvar, Z. Javadian, and M. R. Mosahebi, "Structural patterns of educational justice relation with satisfied with obtain civil behaviors resultseducational and fraud education", *New Thinking in Educational Sciences*, 7(1), pp. 87- 102, 2011.
- 37- S. Dawn, and F. J. Riggins, "The Digital Divide: Current and Future Research Directions", *Journal of the Association for Information System*, vol. 6, No. 12, PP. 1-53, 2005.
- 38- DiMaggio, P. & E. Hargittai (2001). From the 'Digital Divide' to 'Digital Inequality': Studying Internet use as Penetration Increase (Working Paper 19).
- 39- Yohance, d. Divergence of Digital World of Teachers". *Educational Technology & Society*, 13 (1): 186194. 2017.
- 40- Telecommunication Union, "Measuring the Information Society", Geneva, Switzerland, 2011. Retrieved from <http://www.itu.int/net/pressoffice/backgrounders/general/pdf/5.pdf>.
- 41- C. Y. S. Jerry, and E. M. Susan, "The Digital Divide and Its Impact on Academic Performance", *US- China Education Review A*, 2(3), 153-161, 2011.
- 42- C. M. Gadio, "Exploring the Gender Impact of the World Links Program: Summary of the findings of an independent study conducted in four African Countries", *World Links: eLearning for Development*, 2001. www.world-links.org
- 43- D. Dollar, and R. Gatti, "Gender Inequality, Income, and Growth: Are Good Times good for Women? Development Research Group / Poverty Reduction and Economic Management Network. Washington", World Bank. evidence from micro data, *Economics*, vol. 108, pp. 33-60, 1999.
- 44- S. Klasen, "Low schooling for girls, slower growth for all? Cross-country evidence on the effect of gender inequality in education on economic development", *The World Bank Economic Review*, 16(3), pp. 345-373, 2002.
- 45- R. Pittin, "Selective education: Issues of gender, class and ideology in northern Nigeria", *Review of African Political Economy*, 48(17), pp. 7-25, 1990.
- 46- C. Colclough, P. Rose, and M. Tem, "Gender inequalities in primary schooling: The roles of poverty and adverse cultural practice", *International Journal of Educational Development*, 20(1), pp. 5-27, 2000.
- 47- R. Hausmann, L. D. Tyson, and S. Zahidi, "The global gender gap report", 2010. Retrieved from World Economic Forum website: http://www3.weforum.org/docs/WEF_GenderGap_Report_2010.pdf.
- 48- R. M. Sutton, K. M. Douglas, K. Wilkin, T. J. Elder, J. M. Cole, and S. Stathi, "Justice for whom, exactly? Beliefs in justice for the self and various others", *Personality and Social Psychology Bulletin*, vol. 34, pp. 528-541, 2008.
- 49- UNDP, "Gender inequality, Humanity Divided: Confronting Inequality in Developing Countries", 2014.
- 50- D. Kaye, "Gender inequality and domestic violence: implications for human immunodeficiency virus (HIV) prevention", *African health sciences*, 4(10), pp. 67-76, 2004.
- 51- M. Adelman, "The Culture of the Global Anti Gender Violence Social Movement", *American Anthropologist*, vol. 110, pp. 511-514, 2008.
- 52- C. Han, J. G. Janmaat, B. Hoskins, and A. Green, "Perceptions of Inequalities: implications for social cohesion, published by